منوچهر جمالی

از « انتخابات » تا « شبه انتخابات »
ازمردمسالاری تا « شبه مردمسالاری »
«از قانون » تا « شبه قانون »

حق انتخاب کردن ، حق تأسیس کردن است

شبه انتخابات « آنست که در ظاهر ، حق انتخاب کردن را میدهند ، ولی در واقع ، این حق را در « شبه انتخابات » ، پس میگیرند . حق انتخاب کردن را میدهند ، ولی معنای انتخاب کردن را تحریف میکنند . وبا این روش ، انتخاب کردن را کاری پوچ و باطل میسازند . ما ، میان گزیده شدن از افعی ، یا بلعیده شدن از اژدها ، هیچکدام را انتخاب نمیکنیم . انسان ، میان دو چیز که هردو انتخاب ناشدنی هستند ، چیز تازه ای میآفریند ، چیز تازه ای تأسیس میکند. انتخاب کردن ، برای » انتخاب کردن قانون « ، و بالاخره برای » تأسیس قانون تازه « است . وقتیکه میان عقاید و افکار ، هیچکدام را نپسندید ، هیچکدام از آنهارا برنمیگزیند ، بلکه خودش ، اندیشه ای تازه میآفریند . از این رو ، ملت ، آزادی وجدان میخواهد . ملت گامی فراتر از آزادی میان عقاید و ادیان و مرامهای سیاسی مینهد ، و آزادی وجدان میخواهد . هر انتخابی ، حق فراتر رفتن از بدیلهای موجود برای انتخاب هست . هر انتخابی ، استوار بر » حق تأسیس « است . قانون ، هنگامی اساسی است ، که این » قدرت تأسیس ملت « ،در آن ، پدیدار شده باشد. تنها یك مشت قانون را، بخودی خود، نمیشود اساسی نامید . ایران، تا کنون قانون اساسی نداشته است که کسی بخواهد آنرا » براندازد « . ملت میخواهد ، قانون را اساسی کند . ملت ، میخواهد جلو » براندازان حق ملت به تأسیس قانون و نظام « را بگیرد . ملت میخواهد قدرت موسسه خود را در همه گستره های

قانونگذاری،تضمین کند، تا نخستین بار در ایران، یك قانو ن اساسی پیدایش یابد . آنچه ما تا کنون داشته ایم ، انطباق با مفهوم » اساسی « نداشته است . اگر زرد و قرمز و سیاه را ، سپید بنامیم ، آنها سپید نیستند . تنها نام » قانون اساسی « بریك مشت مواد گذاشتن ، از آن قواعدواحکام و اوامر ، قانون اساسی نمیسازد . قانونی اساسی است ،که ملت آنرا تأسیس کند و این قدرت تأسیسی ملت در آن پدیدار شود، و این قدرت موسسه ملت ، حاکمیت ملت خوانده میشود، و بر شالوده این قدرت موءسسه است که انتخاب میکند . انتخاب ، یعنی حق تأسیس . و تأسیس ، یعنی حق ابداع و ابتکار و نوآوری .